

## عبدالنبی ستارزاده

### نقش سمرقند در رشد ادبیات فارسی تاجیکی

یکی از نخستین نمونه‌های شعر به فارسی تاجیکی به قلم ابوالنبغی سمرقندی تعلق دارد:

سمرقند کندمند

بدینت که افکند؟

از چاچ تی بهی

همیشه تی خیهی

این سنت به فارسی تاجیکی شعر گفتن را شاعر دیگری از سغد سمرقند ابوحفص

سغدی (وفات ۸۳۲م) ادامه داده است:

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا او یار ندارد بی یار چگونه بودا؟

اگر از شعر ابوالنبغی، ویژگی آثار شعر قدیم به زبان پهلوی از جمله در وزن آن نمودار است، شعر ابوحفص سغدی گواهی از آن می‌دهد که ادبیات فارسی خصوصاً شعر آن در عصر ۳ هم از لحاظ معنی و هم جهت لفظ به طور نظررس تکمیل یافته است. در این یک بیت ظاهراً ساده، شاعر با کلمه و تصویرهای صرف زمینی توانسته است که یک معنی عالی انسانی - حالت سخت دوری از یار را برجسته و خوانا بازتاب دهد. شاعرانی مثل ابوحفص سغدی بودند که زمینه را برای تکوین و شکل‌گیری ادبیات فارسی تاجیکی در سده ۱۰ میلادی و ظهور شاعرانی مانند رودکی سمرقندی مهیا ساختند. رودکی کسی است که کوشش‌های ناتمام شاعران پیشین را تمامی بخشیده، به فارسی تاجیکی چنان شعر گفت که احدی تا آن زمان

بدین حد جمال و کمال و فراوانی نگفته بود. وی با ابداع سبک شعر رودکی‌وار روند رشد ادبیات فارسی تاجیکی را برای صدساله‌های بعدی تبیین نمود. از این رو در میان معاصران خود و متأخران به عنوان «آدم‌الشعرا»، «استاد»، «سر شاعران» و «صاحبقران شاعران» نام بر آورد. شهرت رودکی نه تنها سمرقند و بخارا - دو پایتخت سامانیان، بلکه تمام خراسان بزرگ را فرا گرفت. شعر او را در همه جا زمزمه و پیروی می‌کردند. چنانکه خود گفته:

شد آن زمانه که شعرش همه جهان بنوشت

شد آن زمانه که او شاعر خراسان بود

هم آغازگر و هم بنیادگر ادبیات فارسی تاجیکی گردیدن سمرقندیان تصادفی نبود. سمرقند از ابتدا با شهرهایی همچون بخارا، شیراز، بلخ، هرات، اصفهان، مرو، خجند و... همسری می‌کرد و از مرکزهای اساسی سیاسی، علمی و ادبی و تاریخی و فرهنگی قوم‌های ایرانی‌نژاد به شمار می‌رفت.

نقش سمرقند در رشد ادبیات فارسی تاجیکی در طول قرن‌ها به طرز و طریق گوناگون

ظهور نموده است:

۱- شرکت بلاواسطهٔ اهل سمرقند در آفرینش ادبیات فارسی تاجیکی، مثل ابوالینبغی، ابوحفص، رودکی، امیر معزی، منشوری، نظامی عروضی، رشیدی، سوزنی، علی شطرنجی، نجاری، اشرفی، ظهیری، اصیل‌الدین، ندایی، محزون، بساطی، ریاضی، فطرت زردوز، سرفراز، سپندی، وصلی، عجزی و دیگران؛

۲- آماده نمودن زمینه‌های نظری و عملی آن، مثل منشوری در «کنز‌الغرایب»، رشیدی در «زینت‌نامه»، نظامی عروضی در «چهار مقاله»، دولت‌شاه در «تذکرهٔ الشعراء»، صادقی در «ریاض‌الشعراء» و...

۳- پرورش نمایندگان دایره‌های ادبی دیگر، چنان که روحی ولوالجی، جوهری زرگر بخارایی، مؤیدی نسفی، مؤید مهنه‌ای، نوری نیشابوری، خواجگی هراتی، محسن شروانی، صدرالدین عینی بخارایی و دیگران در محیط ادبی سمرقند زندگی و ایجاد نموده‌اند.

۴- انتقال تجربه‌های ادبی و نظری خویش به دایره‌های ادبی دیگر. نظامی عروضی، معزی، فطرت زردوز، اشرفی، بهاء‌الدین کریم، مؤیدی نسفی، حکیم روحانی و دیگران که همچون ادیب در محیط ادبی سمرقند پرورش یافتند، بعداً در خراسان، در دربارهای سلطان سنجر و غزنویان به فعالیت ادامه داده‌اند و به همین واسطه به نمایندگان دایره‌های ادبی مذکور تأثیرگذار بودند.

۵- سفرها و مهاجرت نمایندگان دایره‌های ادبی دیگر به سمرقند و دید و بازدید آنها با اهل ادب و علم آن، مانند سفرهای عبدالرحمان جامی، مهاجرت زین‌الدین واصفی و کمال‌الدین بنایی، دو سال زندگی و تحصیل شمس‌الدین شاهین و دیگران. تحلیل و تحقیق روند تحول و تکوین ادبیات فارسی تاجیکی پس از زمان رودکی و معاصرانش در قرن‌های بعدی نشان داد که نقش سمرقند همانا مثل پیشین مؤثر باقی مانده است. «چهار مقاله» نظامی عروضی و «سندبادنامه»ی محمد ظهیری در نشر، دیوان‌های معزی، رشیدی، سوزنی، علی شطرنجی، شهاب، مؤید نسفی، نجاری، اشرفی و اصیل‌الدین در شعر، «کنز الغرایب» منشوری و «زینت‌نامه»ی رشیدی در علوم ادبی گواه روشن آن است که زادگان سمرقند در قرن‌های ۱۱-۱۲ هم پیش‌صاف بودند.

ولی با فاجعه کشمکش‌های داخلی قراخانیان، سلجوقیان، غزنویان و همچنین زد و خورد‌های داخلی آنها، از جمله برای سمرقند و بعدها حمله خانمانسوز مغول به ماوراءالنهر، نقش محیط ادبی سمرقند و سمرقندیان در رشد ادبیات فارسی تاجیکی در قرن‌های بعدی ضعیف می‌گردد. ما در قرن‌های ۱۳-۱۴ ادیبی از اهل سمرقند نمی‌بینیم که با سعدی و حافظ شیرازی و یا کمال

خجندی و سیف فرغانی همپایی کند. به میدان شعر و شاعری فرو ریختن اهل هنر سمرقند نیز نتیجه دلخواهی را نداد و چهره ادبی برجسته‌ای ظهور نکرد.

تا اندازه‌ای جان گرفتن محیط ادبی در سمرقند و از نو نفوذ یافتن سمرقندیان در روند رشد ادبیات فارسی تاجیکی پس از به سر قدرت سیاسی آمدن خاندان تیموریان و پایتخت آن گردیدن سمرقند در ماوراءالنهر و به اطاعت شیبانیان گذشتن آن به نظر می‌رسد. از نمایندگان معروف سمرقندی ادبیات عصرهای ۱۵-۱۶ و ۱۷ می‌توان از شاعران: بساطی، ریاضی، محمد صالح ندایی، فطرت زردوزی و محمد امین سرفرازی ادبیات شناس و از ناقدان، مطرب مؤلف تذکره الشعرا، صادقی مؤلف ریاض الشعرا و ملیحا صاحب مذكرالاصحاب را نام برد.

در قرون ۱۸-۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ در دوران حکمرانی اشترخانیان و منغیتیان به علت بی‌سرمه و سامانیها، هرج و مرج سیاسی، مبارزه‌های خاندانهای گوناگون ترک بر سر قدرت در ماوراءالنهر، خرابیهای پی در پی و ... محیط ادبی آوازه‌دار سمرقند رو به افول آورد. شاعران و نویسندگان و دانشمندان سمرقندی مجبور می‌شوند به شهرها و کشورهای امن‌تر خویند و خراسان و هندوستان جلای وطن کنند، مانند محزون و مطلب و دیگران.

در ابتدای قرن ۲۰ میلادی با دگرگون شدن وضعیت سیاسی پس از استیلای آسیای میانه از جمله سمرقند از طرف روسیه پادشاهی، پیدا شدن چاپخانه، لیتوگرافی، نشر روزنامه و مجله‌های «آینه» و «زرافشان» حیات ادبی در سمرقند از نو جان می‌گیرد. به میدان ادبیات قدم نهادن شاعرانی مانند طغرل احراری، میرزا حالی و وصلی و ... گواه این امر می‌باشند. وقتی که در سالهای ۲۰-۳۰ قرن ۲۰ میلادی شهر سمرقند پایتخت جمهوری سوسیالیستی ازبکستان که در هیئت آن جمهوری مختار تاجیکستان شامل بود، قرار گرفت و آن از نو به مرکز اساسی ادبی و فرهنگی تاجیکی تبدیل یافت. نشر نخستین روزنامه تاجیک، نخستین مجله «شعله انقلاب»، نخستین مکتب نو تاجیکی و نخستین نشریات دولتی تاجیک در سمرقند،

شهادت از آن است که با سروری استاد عینی دایره ادبی تشکیل گردید که نمایندگان آن بعدها در پیشرفت ادبیات شوروی تاجیکی سهم به سزایی داشتند. کسانی مثل عبدالسلام دهاتی، عبدالشکور پیرمحمدزاده، رشید عبدالسلام، غنی عبدالله، حبیب یوسفی، توره‌قل ذهنی، رحیم هاشم، فاتح نیازی و دیگران پس از بنیاد جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان در سال ۱۹۲۹ به پایتخت آن، شهر استالین‌آباد آمدند و در همین جا زندگی و ایجاد کردند.

چنان که می‌بینیم، نقش سمرقند در رشد ادبیات فارسی تاجیکی وابسته به مقام سیاسی و ادبی آن و تغییر اوضاع سیاسی اجتماعی در دوره‌های گوناگون تاریخی گسترده و یا محدود شده است، ولی هیچگاه به درجه نیستی نرسیده است.

در هیئت جمهوری ازبکستان باقی ماندن شهر سمرقند که یکی از مراکز اساسی پیدایش و تکوین ادبیات فارسی تاجیکی از دوران باستان تا سالهای ۲۰-۳۰ قرن ۲۰ میلادی بود و از آن کوچ بستن گروهی عظیم از شاعران و نویسندگان سمرقندی با سروری استاد عینی به جمهوری تاجیکستان، بدون شک باعث تضعیف حیات ادبی و فرهنگی در آن جا شد. با این حال، خوشبختی در آن است که در سمرقند چراغ ادب و فرهنگ تاجیکی بر خلاف سیاست تاجیک‌زدایی رهبران دوران شوروی در کشور همسایه هرگز خاموش نگردید.

در زمان شوروی صف ادیبان سمرقندی اساساً از حساب ختم‌کنندگان دانشکده زبان و ادبیات تاجیکی دانشگاه سمرقند تکمیل می‌گردید. افسوس که با فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری‌های سابق آسیای میانه، از جمله ازبکستان، پیش راه این تعامل میان آن کشور و جمهوری تاجیکستان بسته شد. همچنین از سمرقند برای تحصیل به دوشنبه آمدن دانشجویان هم تقریباً به نظر نمی‌رسد. مؤسسه‌های ادبی و فرهنگی، دانشگاه و دانشکده‌های جمهوری تاجیکستان را ضرور است که این سنت سودمند تبادل متخصصان و دانشجویان را از نو برقرار نمایند تا رابطه‌های ادبی و فرهنگی سمرقند باستانی با تاجیکستان قطع نشود.

از نقش سمرقند در رشد ادبیات فارسی تاجیکی بطور جداگانه سخن راندن هرگز معنای آن را ندارد که محیط ادبی سمرقند از روند عمومی رشد این ادبیات بیرون بود. زیرا محیط ادبی سمرقند از ابتدا تا امروز یک رکن اساسی ادبیات فارسی تاجیکی را تشکیل می‌دهد. بطور جداگانه بررسی نمودن این موضوع فقط به خاطر برجسته نمودن نقش بزرگ سمرقند و سمرقندیان در رشد ادبیات فارسی تاجیکی می‌باشد و آن هم در عرفه بزرگداشت ۲۷۵۰ سالگی آن. این کوشش ادامه کارهایی است که پیش از ما ادبیات‌شناس نامی تاجیک صدری سعدی‌اف که زاده و پرورده سمرقند است، انجام داده بود، از جمله تحقیقات پرارزش اوست: «سوزنی و محیط ادبی سمرقند در قرن ۱۲» (۱۹۷۴)، «ادبیات تاجیک در قرن ۱۷» (۱۹۸۵)، فصلی از کتاب «ادبیات قرن ۱۷» در کتاب «ادبیات تاجیک. عصرهای ۱۶-۱۹ و ابتدای عصر ۲۰» به همکاری رسول هادی‌زاده و عثمان کریم‌اف (۱۹۸۸). اما من فکر می‌کنم که این کارها ابتدای تحقیق نقش سمرقند در رشد ادبیات فارسی تاجیکی می‌باشد. آموزش همه‌جانبه آثار ادیبان سمرقندی دوره‌های گوناگون، محیط ادبی سمرقند، پدیده‌های ادبی مربوط به آن و ... از وظیفه‌های ادبیات‌شناسی و نقد ادبی تاجیک به شمار می‌روند.